موضوع انتقال پایتخت و مسئله تأمین آب تهران بررسی شد؛

تأثیر انتقال پایتخت بر ناترازی آب

گروه اجتماعی

بحث انتقال پایتخت از تهران، بار دیگر به صدر اخبار بازگشته است. کارشناسان اما عقیده دارند این طرح، که بیش از سه دهه است به دلایل مختلف مطرح می‌شود، قابلیت اجرایی ندارد. با این حال از آنجایی که ناترازی آب به یکی از کلان‌ترین مسائل اجتماعی بدل شده، رئیس دولت معتقد است با منابع موجود دیگر نمی‌توان آب تهران را تأمین کرد و یکی از عواملی که در جابه‌جایی پایتخت سهم اثرگذاری را به خود اختصاص داده، موضوع آب است. اما منتقدان این طرح استدلال می‌کنند: «با اینکه شواهد زیادی از تأثیر تغییرات آب و هوایی و اقلیمی بر کم آبی وجود دارد، همواره پمپاژ خبری حول موضوع بحران آب، در کارِ مشروع جلوه دادن سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه سازوکارهای عرضه و مدیریت تأمین آب بوده است. بنابراین کاهش و ایجاد محدودیت مدیریت شده در دسترسی به آب به جای عرضه بیشتر آن، عملی گریزناپذیر است و در این صورت نیازی به صرف هزینه‌های هنگفت برای طرح انتقال پایتخت نخواهد بود.»

آنچه طرح فعلی را از پیشنهادهای پیشین متمایز می‌کند، تمرکز آن بر انتقال به شهرهایی در نزدیکی دریا، به ویژه در مناطق جنوبی و شرقی کشور است و نامی که بیش از سایر گزینه‌ها به گوش می‌خورد، منطقه مکران است. دولت چهارده‌هم مهم‌ترین دلیل انتخاب این منطقه را «توسعه دریا محور» اعلام کرده. پس از سال‌ها بررسی، این نخستین بار است که نام منطقه مکران به عنوان یک گزینه جدی برای انتقال پایتخت مطرح می‌شود اگر چه این رویکرد با سیاست‌های کلان مبنی بر حرکت به سمت توسعه تجارت دریایی هم راستا است اما فعالان محیط زیست در روزهای گذشته درباره احتمال تخریب ویژگی‌های زیست محیطی این منطقه در صورت انتقال پایتخت هشدار داده و معتقدند نباید به واسطه سیاست‌های غلط گذشته، تصمیمات نادرست دیگری اتخاذ کرد.

مطابق دیدگاه آنان، مهم‌ترین نکته در خصوص تأمین منابع آب به ویژه آب‌های زیرسطحی، مدیریت صحیح منابع و مصارف است. اگر این موضوع به درستی مدیریت شود، حداقل آب شرب تهران به طور کامل قابل تأمین خواهد بود. در این زمینه محمدبهنام رسولی، کارشناس ارشد عمران آب در گفت‌وگو با «رسالت» تأکید می‌کند: اگر پایتخت را به سواحل جنوبی منتقل کنیم، به آب دریا متکی خواهیم شد. این در حالی است که باید آب دریا را نمک‌زدایی و به ازای هر مترمکعب حدود صد هزار تومان هزینه کرد تا این آب در شبکه آب شرب شهری قابل توزیع باشد، از این رو بهتر است به جای پاک کردن صورت مسئله و جابه‌جایی مشکلات از یک نقطه به نقطه دیگر، با راهکارهای اصلاحی مسئله ناترازی آب پایتخت را برطرف کرد. در ادامه مشروح این مصاحبه را می‌خوانید.

همان طور که می‌دانید ناترازی آب به یکی از چالش‌های بزرگ تهران تبدیل شده اما طرح چنین موضوعی به عنوان یکی از عوامل جابه‌جایی پایتخت، منطقی و عقلانی به نظر می‌رسد؟

واضح است که منطقی نیست، چون در کل کشور با مسئله ناترازی آب مواجهیم و حتی استان‌های شمالی هم علیرغم اینکه به‌لحاظ بارندگی از میانگین کشوری در سطح بسیار بالاتری قرار دارند، با مسئله کمیت و کیفیت آب دست به گریبان‌اند. در موضوع ناترازی، تنها منبع جدیدی که کارشناسان به آن اشاره دارند، آب‌های آزاد (آب دریا) است. در برهه‌ای از زمان، دریاچه خزر به عنوان یکی از گزینه‌ها به ویژه برای انتقال آب به استان سمنان مطرح بود اما با توجه به رژیم آبی بسته این دریاچه و ورودی‌های مشخص آن، این برنامه منتفی شد. در حال حاضر حتی برای مناطق نیمه شمالی کشور، نگاه‌ها به سمت دریای عمان و خلیج فارس معطوف شده است. شاهد مثال این موضوع، اجرای طرح‌های انتقال آب به کرمان و اصفهان است و حتی طرح انتقال به شمال شرق کشور هم در دستور کار قرار گرفته و تا حدی پیشرفت فیزیکی داشته ولی هنوز تا رسیدن به نقطه بهره‌برداری فاصله زیادی باقی مانده است. بنابراین می‌توان از آب دریا به عنوان یک منبع بسیار بزرگ که رژیم حقوقی خاصی ندارد، برداشت کرد، ولی مسئله مهم شوری آب دریاست، این آب دارای ای‌سی یا همان هدایت الکتریکی بالاست و نمی‌توان آن را به شکل خام استفاده کرد. از این رو باید، تأسیسات بزرگ شورزدایی را در قالب کارخانجات بسیار بزرگ احداث نمود. ضمن اینکه تحقق این مسئله به سرمایه‌گذاری زیادی نیاز دارد و به ازای هر مترمکعب آب باید انرژی بسیاری صرف کرد و به روش اسمز معکوس و سایر روش‌ها، نمک زدایی و املاح را از آب دریا جدا کرد تا برای استفاده در بخش شرب و کشاورزی به کیفیت قابل قبول برسد. مطابق آماری که وزارت نیرو ارائه کرده، حتی اگر در لب ساحل نیز یک مترمکعب آب دریا را برای استفاده شرب به کیفیت لازم برسانیم وای سی آن کاهش پیدا کند، باید در حدود یک یورو یا صد هزار تومان هزینه کرد. در حال حاضر شرکت‌های آب و فاضلاب شهری آب را در پایین‌ترین پله مصرف به ازای هر مترمکعب ۱۵۰۰ تومان در اختیار مشترکین خانگی می‌گذارند. منابع آبی که اکنون در تهران استفاده می‌شود، مربوط به منابع آب طبیعی و ذخایر سدها، مخازن زیرزمینی و آب چاه‌هاست که هزینه استحصال و انتقال آن هنگفت نیست. علیرغم اینکه شرکت‌های آب و فاضلاب از بودجه دولتی استفاده می‌کنند اما این بودجه بیشتر صرف طرح‌های عمرانی می‌شود و هزینه قبض دریافتی می‌تواند بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری این شرکت‌ها را تأمین کند، حالا ما می‌خواهیم پایتخت را به سواحل جنوبی کشور منتقل و به آب دریا متکی باشیم. این در حالی است که باید آب دریا را نمک‌زدایی و به ازای هر مترمکعب حدود صد هزار تومان هزینه کرد تا این آب در شبکه آب شرب شهری قابل توزیع باشد. پرسش این است که آیا به لحاظ اقتصاد شهری می‌توان با آبی که هر مترمکعب آن صد هزار تومان است، به مشترکین خانگی خدمت ارائه کرد؟ طبیعتا فاصله این عدد با هزینه دریافتی فعلی بسیار زیاد است. دولت باید به طور مداوم به این بخش سوبسیدهای هنگفتی اختصاص بدهد و یا آب را با همین قیمت به مشترکین خانگی ارائه کند. در حال حاضر برای صنایعی نظیر گل گهر و مس سرچشمه کرمان، هلدینگی شکل گرفته و بدون یارانه دولتی، آب را با هزینه یک دلاری یا یک یورویی در ساحل نمک‌زدایی و برای انتقال آن به صنایع نیزبه همین میزان هزینه صرف می‌کنند. یعنی تقریبا برای یک مترمکعب آب نزدیک به ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار تومان پرداخت می‌شود اما چون سهم آب در سبد هزینه صنایع خیلی بالا نیست، بازهم صرف چنین مبالغی توجیه اقتصادی دارد ولی برای شبکه آب شرب شهری چنین هزینه‌ای قابل تحقق نیست. با توجه به وضعیت اقتصادی کنونی و محدودیت بودجه، حتی مطرح کردن آن هم غیرمنطقی است.

طبیعتا در اینجا مسائل محیط زیستی و اقلیمی هم مطرح است، این طور نیست؟

بله. سرانه مصرف و نیاز آبی بسته به نقاط مختلف کشور متفاوت است و باید وضعیت اقلیمی را هم درک کرد. تهران در منطقه‌ای به لحاظ اقلیمی قرار گرفته که حداکثر دمای تابستانه آن به ندرت به ۴۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و این دما و موقعیت جغرافیایی الگوی مصرفِ مختص به خود را شکل داده است. اگر بخواهیم جمعیت را به جنوب کشور یا آن دما و میزان رطوبت بالا منتقل کنیم، طبیعتا الگوی مصرف انرژی به شدت با تهران متفاوت خواهد بود، چون در بسیاری از فصول سال الزاما باید از سیستم‌های مبتنی بر کولرگازی استفاده کرد و با زبه علت دمای هوا، میزان مصرف آب در متوسط شبکه شهری افزایش پیدا می‌کند. مسئله مهم دیگر این است که در جنوب کشور به دلیل شرایط آب و هوایی، کیفیت زندگی مطلوب نیست و شما می‌بینید که قطب‌های جمعیتی ما در جنوب کشور محدود است. این راهم باید در نظر گرفت که با انتقال پایتخت از یک نقطه به نقطه دیگر عملا صورت مسئله را جابه جا کرده‌ایم. روشن است که در صورت تحقق این مسئله، مسائل عدیده دیگری رخ خواهد داد، از جمله، نمک‌زدایی آب دریا که پساب زیادی تولید می‌کند، این پساب در دریا رهاسازی شده و مسائل اکولوژیکی پدید می‌آورد. با ورود پساب آب شیرین کن‌ها به ساحل دریا و شوری زیاد تعادل آب بهم می‌خورد و اه تنفس آبزیان بسته می‌شود و همین عامل نیز مرگ آبزیان دریایی را به دنبال دارد. با این توضیح لازم که در دوران بهره‌برداری، شوک‌های حرارتی و شیمیایی ناشی از ورود مدیریت نشده شورابه آب شیرین کن‌ها به دریا، که با مرگ و میر آنی موجودات دریایی همراه است جزو جنبه‌ها و پیامدهای مخرب محسوب می‌شود. چنانچه مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی، برآورد و ارزیابی درستی از آثار و پیامدهای ناشی از ورود شورابه نداشته باشند، در درازمدت می‌توانند با مرگ و میر مزمن اجزای زنده اکوسیستم‌های دریایی و نیز تغییرات غیرقابل برگشت در ارکان غیرزنده این نوع اکوسیستم‌ها همراه باشد که در صورت عدم کنترل، می‌توانند منجربه تخریب محیط زیست شود. از این رو تصور می‌کنم با انتقال پایتخت مسائل پیچیده و جدیدی رخ عیان می‌کند و از یک پارادایم با مشکل خودمان را وارد پارادایم دیگری می‌کنیم. همه این قسمت‌ها باید درکنار هم در قالب یک ماتریس چندبعدی دیده شود. ضمن آنکه تجربه کشورهای دیگر نیز پیش روی ماست. به عنوان مثال پایتخت سیاسی ترکیه از استانبول به آنکارا منتقل شده، اما مسائل استانبول لاینحل مانده است و عملا گره‌ای از مشکلات این شهر باز نشده است.

وقتی از ناترازی آب به عنوان یکی از عوامل جابه جایی تهران نام برده می‌شود، این سؤال در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد که آیا سیاست‌گذاران ما تصور می‌کنند به صرف جابه جایی پایتخت، بخشی از جمعیت تهران به شهرهای دیگری کوچ می‌کنند؟ اغلب صاحب‌نظران معتقدند با تغییر پایتخت، جمعیت میلیونی این شهر جابه جا نخواهند شد، بنابراین ناترازی آب همچنان وجود خواهد داشت، آیا این طور نیست؟

بله دقیقا، با جابه جایی پایتخت، جمعیت جابه جا نخواهد شد. تجربه‌ای که در ترکیه هم اتفاق افتاد و با تغییر پایتخت سیاسی به آنکارا، این شهر بزرگ شد اما توسعه استانبول نیز متوقف نشد. در مورد ایران هم، قطب صنعتی در پایتخت و شهرهای اطراف آن شکل گرفته و بخش زیادی از جمعیت ساکن تهران در صنایع پیرامونی این شهر مستقر و مشغول به کار هستند بنابراین انتقال پایتخت به جابه جایی جمعیت منتهی نخواهد شد. از طرفی پرسش‌های مهمی در این زمینه مطرح است، مواردی مانند اینکه آیا این انتقال شامل تمامی ساختارهای دولتی و اداری خواهد بود؟ چه تدابیری برای انتقال جمعیت، مسکن، و ایجاد زیرساخت‌های لازم در شهر جدید اندیشیده شده است؟ آیا تهران به حال خود رها خواهد شد؟ تجارب جهانی نشان داده است که انتقال کامل یک شهر ناممکن است و تمرکززدایی تنها در صورتی موفق خواهد بود که تدریجی و با برنامه‌ریزی دقیق انجام شود. اینکه رئیس دولت عنوان می‌کند امکان ندارد با منابع زیرزمینی موجود، آب تهران را پشتیبانی کرد، حرف درستی است اما باید در این زمینه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرد. طبیعتا مخالفت با طرح انتقال پایتخت به معنای نادیده گرفتن بحران‌های فعلی تهران نیست ولی باید در نظر داشت که پس از جابه جایی هم مشکل ناترازی‌ها کماکان وجود خواهد داشت. با توجه به اینکه ناترازی آب را در کل کشور داریم، هیچ نقطه‌ای از فراوانی آب برخوردار نیست. سوای این موضوع با مشکلات تازه‌ای در پایتخت جدید مواجه خواهیم شد. مدل‌های توسعه هم نشان داده است علیرغم اینکه برنامه‌ها و چارچوب‌های محدودی برای برخی قسمت‌ها در نظر گرفته می‌شود اما با انتقال پایتخت، وزارتخانه‌ها و دفاتر وزارتی و سازمان‌های مادر تخصصی و مابقی بخش‌ها جابه جا و یک جمعیتی به پایتخت جدید منتقل می‌شوند. زیرساخت‌های تازه‌ای نیز در بخش‌های حمل و نقل، فرودگاه، پایانه‌های باربری و ایستگاه‌های راه‌آهن ایجاد و ما مجدد یک تهران کوچک را حداقل در شروع کار خواهیم داشت که با مسئله منابع دست به گریبان خواهد بود. اگر پایتخت به جنوب کشور منتقل شود، مسائل محیط زیستی و اقلیمی نیز به صورت دوچندان رخ عیان می‌کند. باتوجه به این مسائل چنانچه یکی از اهداف دولت از جابه جایی پایتخت، رفع بحران ناترازی آب تهران باشد، راهکارهای واقع‌بینانه‌تری وجود دارد.

برخی کارشناسان نیز به همین موضوع اشاره کرده‌اند که با هزینه کمتر و راهکارهای اصلاحی نظیر مدیریت مصرف، اصلاح تعرفه‌ها تا سطح قیمت تمام شده، توقف بارگذاری‌های جدید جمعیتی، استفاده از فناوری‌های نوین در تصفیه و بازچرخانی آب و اصلاح الگوی کشت می‌توان تهران را به یک شهر ایده‌آل تبدیل کرد، آیا در وضعیتی که تهران قرار دارد، با راهکارهای اصلاحی می‌توان آن را به یک شهر ایده‌آل تبدیل کرد؟

هنوز زود است که از ایده‌آل‌ها سخن بگوییم. در وهله اول باید بتوانیم این مشکل را مدیریت کرده و در نقطه پایاپای بایستیم و بعد به تعریف یک شهر ایده‌آل برسیم. واقعیت این است که در مرحله تأمین منابع تقریبا به نقطه آخر رسیده‌ایم و منابع جدیدی وجود ندارد، بنابراین چاره‌ای نداریم جز اینکه با مدیریت مصرف روبرو شویم. سرانه مصرف آب در تهران بالاست که این موضوع متأثر از دلایل مختلفی همچون فرسودگی و اتلاف آب در شبکه، الگوی مصرف در بخش خانگی، صنایع و خدمات است. به اذعان برخی مسئولان روزانه ۶۰۰ هزار مترمکعب آب در تهران به دلیل شبکه فرسوده انتقال هدر می‌رود. یکی از مدیران عامل شرکت آب و فاضلاب تهران در سال ۹۹ گفته بود: «۲۵۰۰ کیلومتر از ۹ هزار کیلومتر خطوط انتقال آب تهران پوسیده و فرسوده هستند و باید حتما عوض شوند.»

در مورد میزان الگوی مصرف نیز حتی اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین تهران و مشهد انجام بدهیم، در حال حاضر ظرفیت اصلاح مدل بهره‌برداری و مدیریت مصرف با منابع آب فعلی وجود دارد. بنابر اطلاعاتی که شرکت آب و فاضلاب مشهد منتشر کرده، سرانه الگوی مصرف آب خانگی در مشهد زیر ۱۵۰ لیتر در شبانه‌روز به ازای هر نفر است، اما وقتی در مورد تهران صحبت می‌کنیم، این عدد در حدود ۲۵۰ لیتر است. یعنی ما می‌توانیم حداقل این عدد ۲۵۰ را به زیر ۲۰۰ برسانیم. این به منزله آزادسازی بخشی از این منابع و کاهش فشار بر منابع فعلی هست. با یکسری سیاست‌ها نظیر سیاست‌های تعرفه‌ای و بازچرخانی هم می‌توان مصارف را مدیریت، و هم از طریق مدیریت پساب و جابه جایی با آب کشاورزی و به عبارتی تخصیص آب با کیفیت در حوزه شرب در قبال جایگزینی با پساب، منابع موجود را به نحو بهتری مدیریت کرد. موضوع آب همانند آلودگی‌های زیست محیطی است. ما برای حل مسئله آلودگی هوای تهران لازم نیست پایتخت را به نقطه دیگری با همان سیستم حمل و نقل و صنایع منتقل کنیم. لازم است پخش آلاینده‌ها در تهران را مدیریت کنیم. پایتخت با مشکلاتی چون اشباع جمعیت، افزایش غیرقابل کنترل تردد خودرو و کمبود منابع انرژی مواجه است. این مسائل، به ویژه باتوجه به شرایط اقلیمی خاص تهران و موقعیت کوهپایه‌ای آن، به شکل‌گیری الگوهای شهری ناسالم دامن زده است. این شهر سال‌هاست که به عرصه برج‌سازی بی‌رویه تبدیل شده و این تغییرات دالان‌های طبیعی گردش هوا را مسدود و آلودگی مداوم هوا را به یکی از بحران‌های جدی شهر تبدیل کرده است. حال اینکه شهرهای بزرگ دنیا با کیفیت هوای بهتری زندگی می‌کنند، چون منابع آلودگی از صنایع تا خودروهای شخصی و سیستم حمل و نقل عمومی را کنترل کرده‌اند. در تهران هم این سیاست‌ها و راهکارها قابلیت تحقق دارد. بهتر است به جای پاک کردن صورت مسئله و کنار گذاشتن تهران از ساختار برنامه‌ریزی‌ها، مدل چیدمان شهری و برنامه‌ریزی‌ها را با شرایط فعلی متناسب کنیم. البته بخش زیادی از اقدامات و برنامه‌ها به علت تحریم و عدم امکان حضور شرکت‌های بزرگ و عدم به کارگیری فناوری‌های جدید و کالاهای روز دنیا امکان عملی شدن ندارد. جالب است که ما جزء کشورهایی هستیم که به کنوانسیون تغییرات اقلیمی پاریس نپیوسته‌ایم به این دلیل که شرایط تحریم به ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد تا به فناوری‌ها و علوم و فنون روز دنیا دسترسی داشته باشیم. طبیعتا مشابه این مسئله را در موضوع آب هم داریم. در تصفیه‌خانه‌ها، شبکه انتقال و مصارف آب، گپ تکنولوژی وجود دارد. با این حال می‌توانیم با یکسری سیاست‌های اصلاحی و افزایش راندمان و کارایی، بخشی از این مصارف را آزاد و مجدد به چرخه بازگردانیم. بنابراین با شما موافقم که در صورت توجه به راهکارهای تعرفه‌ای و فناوری، اصلاح شبکه و شیرآلات و اصلاح نحوه مقررات شهرسازی و معماری در قسمت بازچرخانی آب خاکستری می‌توان بخش زیادی از مشکل ناترازی را حل کرد. کما اینکه سنگاپور سیستم بازچرخانی صد درصدی آب دارد، حتی از فاضلاب شهری برای آب آشامیدنی استفاده می‌شود، یعنی تا به این حد سطح کیفیت آب را در قسمت تصفیه ارتقا داده‌اند. ما در تهران نزدیک به ۱/۵ میلیارد مترمکعب فاضلاب خانگی داریم که اگر این فاضلاب به خوبی تصفیه شود، ضمن سروسامان دادن به مسئله آلودگی دشت ورامین و جایگزینی با آب کشاورزی، می‌توان مجدد بخشی از این آب را وارد چرخه آب شرب شهری کرد، هرچند با ایده‌آلی که در سؤال شما بود فاصله داریم و نمی‌خواهیم مجدد آب فاضلاب را به شبکه آب شهری برگردانیم و چنین امکانی برای ما وجود ندارد اما می‌توان با جایگزینی به عنوان آب فضای سبز و کشاورزی، بخشی از منابع این قسمت را برای مصارف آب شهری آزاد کرد. کارهای زیادی می‌توان انجام داد و لازمه تحقق آن تدبیر و تخصیص منابع هست، البته در شرایطی که این گشادگی اقتصادی وجود داشته باشد و بتوان تکنولوژی را وارد و برای به کارگیری آن هزینه کرد.

به اعتقاد شما چقدر مهم است که از این به بعد تمرکزمان صرفا بر روی مدیریت مصرف باشد، نتایج مطالعات نشان می‌دهد برای مدیریت بحران دو راه اصلی مدیریت تأمین و مدیریت مصرف وجود دارد و از این رو پیشنهاد مؤکد کارشناسان این است که در شرایط فعلی نباید روی مدیریت تأمین کار کرد. نقطه نظر شما در این باره چیست؟

ناترازی‌هایی که در حوزه انرژی اتفاق افتاده، نشان‌دهنده شکست مدیریت تأمین است. این شکست به دلایل مختلفی اتفاق افتاده و یکی از دلایل آن مباحث اقتصادی و بودجه‌ای است. از طرفی در دهه‌های گذشته به شکل صد درصدی در مسیر تأمین گام برداشته‌ایم. هنوز هم اگر کماکان می‌توانستیم کاری در حوزه تأمین انجام بدهیم، با این ناترازی‌ها مواجه نبودیم، چنین مسئله‌ای به ما نشان می‌دهد که در مدیریت مصرف دچار عقب‌ماندگی هستیم و علیرغم اینکه در حوزه منابع آب، منبع جدیدی وجود ندارد اما هم‌چنان مصارف را افزایش داده‌ایم، این گپ روزبه روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود و تلاش‌ها و برنامه‌ها به نظر ناموفق بوده است. در اینجا بحث استبناط مطرح نیست، بحث نتیجه است و باید به جای عملکرد محوری این موضوع را به صورت نتیجه محور بررسی کرد تا به عمق مسئله پی برد. برنامه‌های تأمین نسبت به برنامه‌های مصرف زودبازده‌تر و ارزان‌تر است. برای مدیریت مصرف باید نگاه مهندسی اجتماعی داشت اما در حوزه تأمین نگاه صرفا سازه‌ای کفایت می‌کند. از این رو برای تأمین آب با مباحث سازه‌ای و برای مدیریت مصرف با مباحث فناوری، مباحث اجتماعی، تعرفه‌ای، اقتصادی و پارامترهای دیگری مواجهیم که باید همه در کنارهم دیده شود، طبیعتا این موارد پیچیده است و تحقق آن به زمان و سرمایه‌گذاری نرم‌افزاری، اعتمادسازی و بسترسازی اجتماعی نیاز دارد، اما در مباحث سازه‌ای به هیچ‌کدام از این موارد نیازی نیست. برای شهر تهران به شکل خاص، باتوجه به اینکه منبع جدیدی وجود ندارد، ناچاریم مشکل را در پهنه منابع فعلی؛ مبتنی بر پارامترهای اجتماعی-اقتصادی، تعرفه‌ای و مباحث تکنولوژی و فناوری مدیریت کنیم. تلاش‌هایی که اکنون در حال انجام است، نشان می‌دهد وزارت نیرو به دنبال مدیریت مصرف انرژی است. در مورد آب نیز به همین شکل است و چاره‌ای نداریم جز اینکه پارادایم‌هایمان را به سمت سازگاری و تطابق با منابع موجود هدایت کنیم.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابرای شماره ۱۶۷۶۶۲ - ۱۴۰۳۶۰۳۱۳۰۰۶۰۱۶۷۶۶۲ - ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ - ۱۴۶۹۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میاندوآب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم شهناز علیزاده فرزند بهمن بشماره شناسنامه ۵۲۷ صادره از و تقاضای خانم زهرا علیزاده فرزند بهمن سمعی هرکدام نسبت به سه دانگ مشاع از دریک باب خانه به مساحت ۴۰۱۸ مترمربع جهت ادغام با پلاک ۱۳۶۰۲ فرعی تحت پلاک ۳۱۰۹۵ فرعی مفروزی از ۱۳۳۲۲ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۴ مراغه حوزه ثبتی میاندوآب خریداری از مالک رسمی آقای سهمی وراث آقای رجب پور محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت معتقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲- برابرای شماره ۱۶۶۱۶ - ۱۴۰۳۶۰۳۱۳۰۰۶۰۱۶۶۱۶ - ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میاندوآب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسن عبداللهی فرزند محمود بشماره شناسنامه ۵۱۷ صادره از دشتدالک یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۹۲۸.۳۳ مترمربع تحت پلاک ۲۹۵ فرعی از ۷۸ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۶ مهاباد حوزه ثبتی میاندوآب واقع در قریه ملاکندی خریداری از مالک رسمی آقای سهمی وراث قادر عبداللهی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت معتقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول-سه شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم -چهارشنبه ۱۴۰۳/۱۲/۱

سعید سیفی
اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب

آگهی تحدید حدود الحاقی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن -جفادک
هیات موضوع بند۲ ماده۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقردر ثبت شهرستان بوشهر به شرح آراء صادره تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل را در جفادک بخش دو بوشهر تائید نموده است لذا در اجرای ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی مربوط تحدید حدود قطعات مورد تصرف متقاضیان در روزهای مقرر به شرح ذیل بعمل می اید مراتب جهت عموم آگهی می شود.
تحدید حدود دوشنبه =۱۴۰۳/۱۲/۶
تحدید حدود املاک مندرج در این آگهی از ساعت ۸ صبح روز مقرر با حضور نمایندگان ثبت وبنیاد مسکن شروع وبعمل خواهد آمد لذا از صاحبان املاک و مجاورین ومعترضین دعوت می شود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند مطابق ماده ۱۰ آئین نامه اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق آگهی واشخاصی که نسبت به تحدید حدود وحقوق ارتفاقی اعتراض دارند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود ظرف ۲۰ روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک بوشهر تسلیم نمایند و ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر و یا تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب و اسناد مالکیت معترضین صادر و تسلیم خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ م الف ۱۹۱۶
شکرالله سعادتی -رئیس اداره ثبت و اسناد و املاک بوشهر

آگهی تحدید حدود الحاقی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن -جفادک
هیات موضوع بند۲ ماده۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقردر ثبت شهرستان بوشهر به شرح آراء صادره تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل را در جفادک بخش دو بوشهر تائید نموده است لذا در اجرای ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی مربوط تحدید حدود قطعات مورد تصرف متقاضیان در روزهای مقرر به شرح ذیل بعمل می اید مراتب جهت عموم آگهی می شود.
۳۷۶۰/۵۶۸۹ یدالله حیدری ششدانگ قطعه زمین محصور به مساحت ۲۰۶/۳۰ مترمربع متخده از ۳۷۶۰/۵۰ بخش دو بوشهر-جفادک
تحدید حدود دوشنبه =۱۴۰۳/۱۲/۶
تحدید حدود املاک مندرج در این آگهی از ساعت ۸ صبح روز مقرر با حضور نمایندگان ثبت وبنیاد مسکن شروع وبعمل خواهد آمد لذا از صاحبان املاک و مجاورین ومعترضین دعوت می شود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند مطابق ماده ۱۰ آئین نامه اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق آگهی واشخاصی که نسبت به تحدید حدود وحقوق ارتفاقی اعتراض دارند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود ظرف ۲۰ روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک بوشهر تسلیم نمایند و ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر و یا تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب و اسناد مالکیت معترضین صادر و تسلیم خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ م الف ۱۹۱۷
شکرالله سعادتی -رئیس اداره ثبت و اسناد و املاک بوشهر

آگهی تحدید حدود الحاقی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن -جفادک
هیات موضوع بند۲ ماده۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقردر ثبت شهرستان بوشهر به شرح آراء صادره تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل را در جفادک بخش دو بوشهر تائید نموده است لذا در اجرای ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی مربوط تحدید حدود قطعات مورد تصرف متقاضیان در روزهای مقرر به شرح ذیل بعمل می اید مراتب جهت عموم آگهی می شود.
۳۷۶۰/۵۶۸۴ عباس زنده بودی ششدانگ قطعه زمین محصور به مساحت ۲۲۴/۶۸ مترمربع متخده از ۳۷۶۰/۵۲ بخش دو بوشهر-جفادک
تحدید حدود دوشنبه =۱۴۰۳/۱۲/۶
تحدید حدود املاک مندرج در این آگهی از ساعت ۸ صبح روز مقرر با حضور نمایندگان ثبت وبنیاد مسکن شروع وبعمل خواهد آمد لذا از صاحبان املاک و مجاورین ومعترضین دعوت می شود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند مطابق ماده ۱۰ آئین نامه اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق آگهی واشخاصی که نسبت به تحدید حدود وحقوق ارتفاقی اعتراض دارند از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود ظرف ۲۰ روز اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک بوشهر تسلیم نمایند و ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم نمایند در صورت عدم وصول اعتراض در موعد مقرر و یا تحویل گواهی عدم تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب و اسناد مالکیت معترضین صادر و تسلیم خواهد شد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶ م الف ۱۹۲۰
شکرالله سعادتی -رئیس اداره ثبت و اسناد و املاک بوشهر

آگهی تحدید حدود الحاقی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن -جفادک
هیات موضوع بند۲ ماده۱ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقردر ثبت شهرستان بوشهر به شرح آراء صادره تصرفات مفروزی و مالکانه اشخاص ذیل را در جفادک بخش دو بوشهر تائید نموده است لذا در اجرای ماده ۱۰ آئین نامه اجرایی مربوط تحدید حدود قطعات مورد تصرف متقاضیان در روزهای مقرر به شرح ذیل بعمل می اید مراتب جهت عموم آگهی می شود.
۳۷۶۰/۵۶۹۴ بهمن حیدری ششدانگ یک بابخانه به مساحت ۲۰۹/۴۶ مترمربع متخده از ۳۷۶۰/۵۲ بخش دو بوشهر-جفادک
تحدید حدود دوشنبه =۱۴۰۳/۱۲/۶
تحدید حدود املاک مندرج در این آگهی از ساعت ۸ صبح روز مقرر با حضور نمایندگان ثبت وبنیاد مسکن شروع وبعمل خواهد آمد لذا از صاحبان املاک و مجاورین ومعترضین دعوت می شود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند مطابق ماده ۱۰ آئین نامه اشخاصی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ الصاق آگهی واشخاصی که نسبت به تحدید حدود وحقوق ارتف